خارج اصول

جلسه54 \* شنبه 7/ 10/ 98

موضوع: اقسام واجب

کلام در فرمایش محقّق عراقی بود. شهید صدر دو مقدّمه برای این مطلب ذکر کرد و به آنها اشکال کرد. یکی اینکه قید و تقیّد در فرمایش محقّق عراقی خارج از موضوع است و یکی مسأله ی دور.

[استاد:] أقول

اشکال شهید بر محقّق عراقی، محل تأمّل است. زیرا ممکن است مقصود محقّق عراقی از این فرمایش ( که فرمود: معروض وجوب، مقدّمه ی همراه با ایصال است) وجوب مقدّمه ی معنون به عنوان ایصال باشد بطوریکه ایصال، عنوان مشیر داشته و جهت تعلیلی دارد نه تقییدی؛ همانطور که فعل بحمل شایع صناعی معنون می شود به عنوان مقدّمه ای که مفهومی است و حیثیت تعلیلی دارد نه تقییدی؛ و در نتیجه وجوب غیری عارض شده بر ذات مقدّمه بواسطه ی عنوان مشیر؛ و این خود نوعی تقیید است و اگر هم تقیید نباشد، نوعی از تصویر موضوع(یا متعلّق یا معروض) در باب تعلّق حکم به موضوع تحقّق یافته می باشد.

بنابراین تعبیر حصّه ی توأم در کلام شهید صدر، بیان واقعی و کامل نسبت به نظریّه ی محقّق عراقی نیست و نوعی از تقیید و تقیّد در فرمایش محقّق عراقی تصوّر می شود که بیان شهید صدر گویای آن نیست.

بنابراین همانطور که عنوان مقدّمه، موضوع حکم را اختصاص می دهد به موردی که نوعی از تخصیص و تخصّص در آن تصوّر می شود، عنوان ایصال نیز مقدّمه را به موردی اختصاص می دهد که مقدّمه ی غیر موصل همانند آن مورد نیست. پس باید گفت عنوان ایصال حیثیّت تقییدی هم دارد و تخصیص و تخصّص توسّط عنوان ایصال در مقدّمه تصوّر می شود. فما افاده الشهید تفسیر بما لایرضی صاحبه.

تا اینجا صحبت در امر اوّل بود.

اما آنچه محقّق عراقی در امر دوّم قائل است، طبق بیان شهید(یعنی لزوم دور) ممکن است گفته شود که مقصود این محقّق این است که تقیید هر مقدّمه ای از مقدّمات واجب، نمی تواند بصورت حقیقی به ایصال تحقّق یابد زیرا مقیّد کردن هر مقدّمه از مقدّمات واجب به قید ایصال، مستلزم دور است مثلاً اگر وضو را مقیّد کنیم به ایصال با فرض عدم تقیّد لباس و ستر به ایصال، دیگر وضو واجب نیست زیرا وضوی مقیّد به قید ایصال با فرض عدم تقیّد لباس و ستر به این قید، موصل به نماز نمی باشد. و اگر بقیّه را نیز مقیّد کنیم به قید ایصال، مستلزم دور است به اینصورت که وضوی مقیّد به قید ایصال توقّف دارد بر ستر مقیّد به قید ایصال و هکذا که در نتیجه بین مقدّمات، دور حاصل می شود؛

کاری که شهید صدر برای رفع دور انجام داد، کافی نیست؛ زیرا جزء یا مقدّمه ی مقیّد به قید ایصال با فرض تقیّد، توقّف دارد بر جزء یا مقدّمه ی دیگر که مقیّد به قید ایصال است نه بر جزء یا مقدّمه ی دیگر مطلقا. زیرا تحقّق جزء یا مقدمّه ی دیگر با فرض عدم ایصال، جزء و مقدّمه نیست لذا دور به قوّت خود باقی است و ناچاریم با پذیرش دو امر مذکور، فرمایش محقّق عراقی را در تصویر معروض وجوب غیریِ مقدّمه با عنوان ایصال، بپذیریم و بگوییم محقّق عراقی می گوید معروض وجوب در مقدّمه ی موصله عبارت است از مجموع مقدّماتی که قید ایصال بعنوان علّت، وجوب را از ذی المقدّمه به مقدّمه منتقل می کند.

تصویر چهارم

متعلّق وجوب در مقدّمه عبارت است از مجموع مقدّمات که مساوی اند با علّت تامّه و حصول ذی المقدّمه لکن نه بعنوان مقدّمیّت و علّیّت و موصلیّت؛ زیرا این عناوین، انتزاعی اند و دخالتی در وجود ذی المقدّمه ندارند؛ بلکه وجوب غیری تعلّق می گیرد به مقدّمه ی واقعی بحمل شایع یعنی افعال خارجی بدون در نظر گرفتن حیثیت ایصال در موضوع و معروض وجوب و شوق غیری مکلّف.

شهید صدر می فرماید: بهترین تصویر همین است.[[1]](#footnote-1)

توضیح

مثلاً نماز چند مقدّمه دارد: وضو، لباس، ستر عورتین؛

صاحب فصول فرموده مقدّمه ی موصله واجب است یعنی مجموع اینها در کنار هم، علّت تامّه برای تحقّق ذی المقدّمه اند؛ وجوب به نفس این سه مقدّمه تعلّق می گیرد نه اینکه عنوان علّیّت و موصلیّت، جزء معروض وجوب باشد؛

این بهترین تصویر هست ولی این همان فرمایش مشهور و مرحوم آخوند است که فرمود: مقدمیّت، حیثیت تقییدی ندارد بلکه حیثیت تعلیلی دارد. یعنی وضوی مقیّد به مقدمیّت واجب نیست بلکه نفس وضو بحمل شایع واجب است.

از فرمایشات شهید صدر در ادامه ی کلام ایشان برداشت می شود که مایل به قول صاحب فصول است یعنی مقدّمه ی موصله. در حالیکه کلام ایشان با فرمایش محقّق عراقی تفاوتی ندارد و همان قضیّه ی «خاصف النعل هو الامام» می باشد که خاصفیّت در امامت نقشی ندارد.

پس به شهید صدر عرض می کنیم: فرمایش شما بعنوان بهترین تصویر برای معروض وجوب در مقدّمه، همان امر اوّلی است که خود شما برای تبیین فرمایش محقّق عراقی ذکر کردید، با بیانی دیگر.

(پایان)

1. . التصوير الرابع: ان الوجوب الغيري متعلق بمجموع المقدمات المساوق مع العلة التامة و حصول ذي المقدمة و لكن لا بعنوان المقدمية و العلية التي هي كالموصلية عناوين انتزاعية لا دخل لها في وجود ذي المقدمة، بل يتعلق الوجوب المذكور بواقعها و عنوانها الذاتي دون أخذ حيثية الإيصال تحت الوجوب و الشوق الغيري و هذا التصوير هو الصحيح. (بحوث في علم الأصول، ج‏2، ص: 251) [↑](#footnote-ref-1)